



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و پنجم، شماره‌ی ۹۲
زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۷۹-۱۶۴

سید داریوش رضایی^۱ *
شکیبا کاظمی نجف آبادی^۲
آذین نوین^۳

ارزیابی نقش محیط شهری در بهبود سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹

چکیده

در سال‌های اخیر، گسترش و پیچیدگی بحران‌های اجتماعی موجب شده است که توجه پژوهشگران از رویکردهای صرفاً فردمحور سلامت روان، به سمت نقش عوامل محیطی و زمینه‌ای، به‌ویژه محیط شهری معطوف شود. در این میان، کیفیت محیط شهری به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان شناخته می‌شود و می‌تواند در فرآیند سازگاری آنان پس از تجربه بحران‌های اجتماعی نقش اساسی ایفا کند. هدف این پژوهش، ارزیابی نقش محیط شهری در بهبود سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه بوده و ۲۵۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد که روایی آن از طریق روایی محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ (۰.۸۷) تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری روان‌شناختی و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که کیفیت محیط شهری هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق نقش میانجی تاب‌آوری، بر سلامت روان دانش‌آموزان تأثیرگذار است. در میان مؤلفه‌ها، بعد اجتماعی محیط شهری بیشترین نقش را در تبیین سلامت روان ایفا کرد. در مجموع، مدل پژوهش توانست بخش قابل توجهی از تغییرات سلامت روان دانش‌آموزان را تبیین کند. این پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت محیط شهری، همراه با تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی، می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر در بهبود سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: محیط شهری، سلامت روان، تاب‌آوری، دانش‌آموزان، بحران‌های اجتماعی.

^۱گروه ادبیات نمایشی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Dariush.rezaei@gmail.com

^۲گروه مشاوره خانواده، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

^۳گروه روانشناسی بالینی، پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، توجه به تعامل میان ویژگی‌های محیط شهری، سلامت روان و تاب‌آوری فردی و اجتماعی به یکی از محورهای مهم پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌های شهرسازی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی تبدیل شده است. در این چارچوب، محیط‌های شهری نه تنها به عنوان بسترهای فیزیکی زندگی، بلکه به عنوان عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری وضعیت روانی شهروندان، به ویژه دانش‌آموزان، مورد توجه قرار گرفته‌اند (بارتون و همکاران^۴، ۲۰۲۳). پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که کیفیت طراحی شهری و مؤلفه‌های محیطی مانند امنیت، فضاهای سبز و تعاملات اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی و ارتقای سلامت روان ایفا کنند (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱؛ حسینی، ۱۴۰۲). این در حالی است که در سطح فردی نیز تاب‌آوری به عنوان یک ظرفیت روان‌شناختی مهم، نقش میانجی در کاهش اثرات منفی شرایط بحرانی بر سلامت روان دارد و می‌تواند سازگاری دانش‌آموزان را در مواجهه با بحران‌ها افزایش دهد (حبیب‌وند و همکاران، ۱۴۰۴؛ قنبری و همکاران، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، مطالعات تجربی در حوزه آموزش و روان‌شناسی نشان داده‌اند که عوامل فردی و آموزشی نظیر مهارت‌های اجتماعی، آموزش ذهن‌آگاهی و مداخلات مبتنی بر بازی‌درمانی می‌توانند به شکل معناداری تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان را تقویت کنند (جوآنمرد و همکاران، ۱۴۰۲؛ نصیری کرباسدهی و همکاران، ۱۴۰۱؛ معنوی‌پور و همکاران، ۱۴۰۴). این یافته‌ها بیانگر آن است که سلامت روان دانش‌آموزان صرفاً تابع ویژگی‌های فردی نیست، بلکه تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل روان‌شناختی و محیطی قرار دارد.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌ها رویکرد جامع‌تری را دنبال کرده و بر نقش ساختارهای شهری، محیط محله و فضاهای سبز در ارتقای تاب‌آوری روانی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. مطالعات لیو و همکاران^۵ (۲۰۲۳) و دمپسی و همکاران^۶ (۲۰۲۳) نشان می‌دهند که ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی محیط شهری، از جمله پیاده‌مداری، کیفیت فضاهای عمومی و مشارکت اجتماعی، نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی در شرایط بحران دارند. همچنین، پژوهش هافمن و همکاران^۷ (۲۰۲۴) بر اهمیت سرمایه اجتماعی و مشارکت ساکنان در افزایش آمادگی جوامع شهری در مواجهه با بحران‌ها تأکید می‌کند. در این میان، محیط‌های آموزشی نیز به عنوان یک زیرسیستم شهری نقش کلیدی در ارتقای تاب‌آوری کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند و می‌توانند از طریق ایجاد حس تعلق و دلبستگی مکانی، آثار روانی بحران‌ها را کاهش دهند (پاچکو و همکاران^۸، ۲۰۲۲).

با وجود این پیشرفت‌ها، بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همچنان شکاف قابل‌توجهی میان مطالعات روان‌شناختی فردمحور و رویکردهای محیط‌محور وجود دارد. اغلب پژوهش‌های داخلی یا بر تاب‌آوری و مداخلات آموزشی تمرکز داشته‌اند یا صرفاً به ویژگی‌های محیط شهری پرداخته‌اند، بدون آنکه ارتباط ساختاری میان این دو حوزه را در قالب یک مدل یکپارچه بررسی کنند (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱؛ حسینی، ۱۴۰۲). در مقابل، پژوهش‌های خارجی اگرچه رویکردی کل‌نگرتر دارند، اما کمتر به شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، توجه کرده‌اند (زوانگ و همکاران^۹، ۲۰۲۵).

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که محیط شهری چگونه و از چه مسیری می‌تواند بر سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی اثر بگذارد و نقش تاب‌آوری در این میان چیست؟ اهمیت این مطالعه در گذار از رویکردهای تک‌بعدی روان‌شناختی یا شهرسازی به یک رویکرد تلفیقی و میان‌رشته‌ای است که بتواند تعامل میان محیط کالبدی و ظرفیت‌های روانی دانش‌آموزان را تبیین کند.

در نهایت، این پژوهش می‌تواند با ارائه یک چارچوب مفهومی یکپارچه، زمینه را برای طراحی محیط‌های شهری و آموزشی تاب‌آورتر فراهم کرده و به سیاست‌گذاران شهری و نظام آموزشی در جهت ارتقای سلامت روان نسل نوجوان در شرایط بحران‌های اجتماعی کمک نماید. در نهایت، بر اساس مبانی نظری، چهار فرضیه اصلی برای این پژوهش تدوین شده است:

⁴ Barton et al

⁵ Liu et al

⁶ Dempsey et al

⁷ Hoffmann et al

⁸ Pacheco et al

⁹ Zhuang et al

- (۱) بین «کیفیت محیط شهری» (شامل فضاهای سبز، امنیت، و کیفیت کالبدی) و «سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی» رابطه معناداری وجود دارد.
- (۲) بین «ویژگی‌های ادراک‌شده محیط شهری» و «سطح تاب‌آوری دانش‌آموزان» رابطه معناداری وجود دارد.
- (۳) بین «تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان» و «سلامت روان آنان در شرایط پس از بحران‌های اجتماعی» رابطه معناداری وجود دارد.
- (۴) بین «مؤلفه‌های محیط شهری (کالبدی-اجتماعی-ادراکی)» و «سلامت روان دانش‌آموزان» با نقش میانجی «تاب‌آوری» رابطه معناداری وجود دارد.
- (۵) بین «کیفیت محیط آموزشی و شهری پیرامون مدرسه» و «تاب‌آوری دانش‌آموزان» رابطه معناداری وجود دارد.

۲- ادبیات و پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، ادبیات پژوهشی در حوزه سلامت روان نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی مبتنی بر عوامل صرفاً فردی دیگر برای تبیین وضعیت روانی افراد، به‌ویژه دانش‌آموزان، کافی نیستند و نگاه‌های چندسطحی و زمینه‌محور جایگزین آن‌ها شده‌اند. در این میان، محیط شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای زندگی روزمره، به‌طور فزاینده‌ای در ارتباط با سلامت روان و تاب‌آوری مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند که ویژگی‌های محیط شهری مانند کیفیت کالبدی، دسترسی به فضاهای سبز، امنیت و کیفیت تعاملات اجتماعی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فشارهای روانی و ارتقای سلامت روان ایفا کنند (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱؛ حسینی، ۱۴۰۲). این یافته‌ها بیانگر آن است که سلامت روان صرفاً محصول ویژگی‌های فردی نیست، بلکه نتیجه تعامل پیچیده فرد با محیط پیرامونی است.

در ادامه این رویکرد، مفهوم تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان یکی از سازوکارهای کلیدی در تبیین واکنش افراد به بحران‌ها مورد توجه قرار گرفته است. تاب‌آوری به‌عنوان توانایی بازگشت به وضعیت تعادل روانی پس از مواجهه با استرس‌ها و بحران‌ها، نقش مهمی در کاهش آثار منفی شرایط دشوار بر سلامت روان دارد. یافته‌های پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که تاب‌آوری می‌تواند اثرات منفی شرایط بحرانی را تعدیل کرده و به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای در ارتباط میان عوامل محیطی و سلامت روان عمل کند (حبیب‌وند و همکاران، ۱۴۰۴؛ قنبری و همکاران، ۱۴۰۳). در همین راستا، مهارت‌های فردی و اجتماعی نیز به‌عنوان زیرساخت‌های تقویت تاب‌آوری شناخته می‌شوند و نقش مهمی در ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان دارند (جوانمرد و همکاران، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، مداخلات آموزشی و روان‌شناختی نیز در ادبیات پژوهش جایگاه ویژه‌ای دارند. مطالعات نشان می‌دهند که برنامه‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، و بازی‌درمانی می‌توانند به‌طور معناداری تاب‌آوری و تنظیم هیجان را بهبود بخشند و در نتیجه سلامت روان دانش‌آموزان را ارتقا دهند (نصیری کرباسدهی و همکاران، ۱۴۰۱؛ معنوی‌پور و همکاران، ۱۴۰۴). این یافته‌ها نشان می‌دهد که تاب‌آوری صرفاً یک ویژگی ثابت فردی نیست، بلکه قابلیت توسعه و تقویت از طریق آموزش و مداخلات هدفمند را دارد.

در سطح بین‌المللی، ادبیات پژوهش رویکردی جامع‌تر و ساختاریافته‌تر به موضوع دارد و بر نقش هم‌زمان عوامل محیطی، اجتماعی و نهادی در شکل‌گیری تاب‌آوری تأکید می‌کند. برای مثال، پژوهش لیو و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که ویژگی‌های محیط محله مانند پیاده‌مداری، انسجام اجتماعی و کیفیت فضایی می‌توانند به‌طور مستقیم بر تاب‌آوری روانی افراد تأثیر بگذارند. همچنین، دمپسی و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که محیط ساخته‌شده شهری نه‌تنها بستر زندگی، بلکه یک عامل فعال در مدیریت بحران‌های اجتماعی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. در همین راستا، هافمن و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۴) نقش مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی را در ارتقای آمادگی جوامع برای مواجهه با بحران‌ها برجسته می‌کنند. در حوزه آموزش و کودکان نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مدارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای اجتماعی-فضایی، نقش کلیدی در تقویت تاب‌آوری دارند. پاچکو و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که احساس تعلق به مکان، دلبستگی به مدرسه و روابط اجتماعی درون مدرسه می‌تواند تاب‌آوری کودکان را در شرایط

¹⁰ Liu et al

¹¹ Dempsey et al

¹² Hoffmann et al

¹³ Pacheco et al

بحران‌های اجتماعی و طبیعی تقویت کند. این یافته‌ها اهمیت محیط‌های آموزشی را به‌عنوان بخشی از اکوسیستم شهری در شکل‌گیری سلامت روان برجسته می‌سازد.

در کنار این موارد، نقش فضاهای سبز شهری و طبیعت در محیط‌های شهری نیز در ادبیات جدید مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهش بای و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که دسترسی به فضاهای سبز قابل مشاهده، به‌طور مستقیم با بهبود بهزیستی روانی دانشجویان مرتبط است. همچنین راکو و ایبز^{۱۵} (۲۰۲۲) تأکید می‌کنند که مداخلات مبتنی بر طبیعت می‌توانند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر در کاهش استرس و ارتقای سلامت روان در محیط‌های آموزشی عمل کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که طبیعت‌محوری در طراحی شهری می‌تواند نقش پیشگیرانه مهمی در سلامت روان داشته باشد. در سطح کلان‌تر، مطالعاتی مانند زوانگ و همکاران^{۱۶} (۲۰۲۵) نشان می‌دهند که تغییرات در محیط زندگی شهری پس از بحران‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم بر واکنش‌های روانی شهروندان داشته باشد و تاب‌آوری شهری را تحت تأثیر قرار دهد. این دیدگاه، رابطه میان شهر و روان انسان را در قالب یک سیستم پویا و تعاملی تحلیل می‌کند که در آن، تغییرات محیطی و اجتماعی به‌طور مداوم بر سلامت روان اثر می‌گذارند.

با وجود این پیشرفت‌ها، مرور ادبیات نشان می‌دهد که هنوز یکپارچگی نظری کافی میان سه حوزه کلیدی محیط شهری، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان وجود ندارد. اغلب پژوهش‌ها به‌صورت جداگانه به یکی از این ابعاد پرداخته‌اند؛ برخی بر محیط شهری تمرکز کرده‌اند، برخی بر تاب‌آوری و برخی بر سلامت روان، بدون آنکه روابط ساختاری و میانجی میان این متغیرها را در قالب یک مدل جامع بررسی کنند. همچنین، بسیاری از مطالعات بین‌المللی در بسترهای فرهنگی متفاوت انجام شده‌اند و قابلیت تعمیم کامل به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران را ندارند. جدول (۱) خلاصه تحقیقات داخلی و خارجی تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۱: پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی

نام خانوادگی	سال	موضوع تحقیق	نتیجه تحقیق
معنوی‌پور و همکاران	۱۴۰۴	اثربخشی آموزش تلفیقی تاب‌آوری و بازی‌درمانی بر مهارت حل مسئله دانش‌آموزان	یافته‌ها نشان داد آموزش مبتنی بر تاب‌آوری و بازی‌درمانی باعث افزایش توانایی حل مسئله، بهبود سازگاری روان‌شناختی و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان شد.
جوانمرد و همکاران	۱۴۰۲	رابطه مهارت‌های اجتماعی و تاب‌آوری با سلامت روان دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی	نتایج نشان داد بین مهارت‌های اجتماعی، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و افزایش تاب‌آوری موجب ارتقای سلامت روان و کاهش مشکلات هیجانی دانش‌آموزان می‌شود.
دهقان و همکاران	۱۴۰۱	نقش طراحی شهری بر سلامت روان؛ تبیین چارچوب مفهومی رابطه کیفیت‌های محیط شهری و سلامت روان ساکنان شهر با تأکید بر افسردگی	نتایج نشان داد کیفیت محیط شهری از طریق مؤلفه‌هایی مانند فضاهای سبز، امنیت، تعاملات اجتماعی و کیفیت کالبدی، نقش مؤثری در ارتقای سلامت روان شهروندان و کاهش افسردگی دارد و طراحی شهری می‌تواند به‌عنوان راهبردی برای بهبود سلامت روان مورد استفاده قرار گیرد.
نصیری کرباسدهی و همکاران	۱۴۰۱	اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر تحمل‌پریشانی، تاب‌آوری و تنظیم هیجان در دانش‌آموزان دارای نشانه‌های اضطراب فراگیر	نتایج نشان داد آموزش ذهن‌آگاهی موجب افزایش تاب‌آوری، بهبود تنظیم هیجان، کاهش پریشانی روان‌شناختی و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان شد.

¹⁴ Bai et al

¹⁵ Rakow & Ibes

¹⁶ Zhuang et al

هافمن و همکاران ^{۱۷}	۲۰۲۴	بررسی آمادگی محلات شهری و نقش مشارکت اجتماعی در افزایش تاب‌آوری جامعه با استفاده از روش Photovoice	نتایج نشان داد که مشارکت ساکنان، سرمایه اجتماعی و کیفیت محیط محله از مهم‌ترین عوامل ارتقای تاب‌آوری و آمادگی جامعه در مواجهه با بحران‌های اجتماعی هستند.
دمپسی و همکاران ^{۱۸}	۲۰۲۳	بررسی نقش محیط ساخته‌شده در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در شرایط بحران	یافته‌ها نشان داد طراحی محیط شهری، کیفیت فضاهای عمومی و مشارکت اجتماعی شهروندان موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی و بهبود ظرفیت جوامع برای مقابله با بحران‌ها می‌شود.
لیو و همکاران ^{۱۹}	۲۰۲۳	بررسی نقش ویژگی‌های محیط محله در ارتقای تاب‌آوری روان‌شناختی ساکنان در دوران بحران	نتایج نشان داد که پیاده‌مداری، پوشش گیاهی، تراکم متعادل شهری و انسجام اجتماعی محله تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش تاب‌آوری روانی و کاهش آثار منفی بحران‌ها دارند.
پاچکو و همکاران ^{۲۰}	۲۰۲۲	بررسی نقش مدارس در تقویت تاب‌آوری کودکان پس از بحران‌ها با تأکید بر دلبستگی به مکان، حس مکان و بازنمایی‌های اجتماعی	نتایج نشان داد که مدارس علاوه بر نقش آموزشی، به‌عنوان محیطی فیزیکی و اجتماعی، موجب ارتقای سلامت روان، تقویت حس تعلق و افزایش تاب‌آوری کودکان و نوجوانان پس از بحران‌های طبیعی و اجتماعی می‌شوند.

بررسی پیشینه پژوهش‌ها بیانگر آن است که اغلب مطالعات داخلی به عوامل فردی و آموزشی محدود شده و نقش ویژگی‌های محیط شهری و کالبدی را در سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین، پژوهش‌های خارجی اگرچه بر اهمیت محیط شهری تأکید دارند، اما بیشتر در بسترهای فرهنگی و اجتماعی کشورهای توسعه‌یافته انجام شده‌اند و نتایج آن‌ها لزوماً قابل تعمیم به شرایط اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهرهای ایران نیست. از سوی دیگر، تاکنون پژوهشی که به‌صورت هم‌زمان نقش محیط شهری، سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی را در قالب یک مدل تحلیلی و متناسب با شرایط ایران بررسی کند، مشاهده نشده است. بنابراین، خلأ پژوهشی اصلی در نبود یک چارچوب بومی و جامع برای تبیین اثر مؤلفه‌های محیط شهری بر سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان در شرایط پس از بحران‌های اجتماعی است. بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر بر ارائه مدلی یکپارچه نهفته است که برای نخستین بار نقش ابعاد کالبدی، اجتماعی و ادراکی محیط شهری را در کنار مؤلفه‌های سلامت روان و تاب‌آوری دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی بررسی می‌کند. این پژوهش با تلفیق رویکردهای روان‌شناختی و برنامه‌ریزی شهری، می‌تواند چارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران شهری، برنامه‌ریزان آموزشی و مسئولان حوزه سلامت فراهم آورد تا از طریق طراحی و مدیریت مناسب محیط‌های شهری و آموزشی، زمینه ارتقای سلامت روان و افزایش تاب‌آوری دانش‌آموزان در مواجهه با بحران‌های اجتماعی را فراهم سازند.

۳- روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا در زمره تحقیقات توصیفی-پیمایشی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش بررسی روابط میان کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی است، این مطالعه به دنبال تحلیل وضعیت موجود و سنجش روابط بین متغیرها در بستر واقعی زندگی دانش‌آموزان می‌باشد. از آنجا که پژوهش بر ادراکات و تجربیات پاسخ‌گویان نسبت به محیط زندگی و وضعیت روانی آنان تمرکز دارد، رویکرد پیمایشی مبتنی بر جمع‌آوری داده‌های میدانی انتخاب شده است.

¹⁷ Hoffmann et al

¹⁸ Dempsey et al

¹⁹ Liu et al

²⁰ Pacheco et al

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای است که بر اساس مبانی نظری پژوهش‌های پیشین و تحلیل ادبیات تحقیق (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱؛ لیو و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۳؛ دمپسی و همکاران^{۲۲}، ۲۰۲۳) طراحی شده است. همچنین برای افزایش روایی محتوا، از نظرات پنج نفر از اساتید و متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی و شهرسازی استفاده شد. پرسشنامه شامل سه بخش اصلی متناظر با متغیرهای پژوهش است:

- کیفیت محیط شهری
- تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان
- سلامت روان دانش‌آموزان

گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» طراحی شده است تا امکان سنجش کمی نگرش‌ها و ادراکات فراهم گردد.

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهر کرج می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای ۵ درصد، حدود ۲۵۰ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند تا نمایندگی مناسبی از جامعه هدف فراهم گردد.

برای بررسی روایی ابزار از روایی صوری و محتوایی استفاده شد و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در مطالعه مقدماتی (۳۰ نفر) محاسبه گردید که مقدار آن برای کل پرسشنامه بالاتر از ۰/۸۷ به دست آمد و نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

جدول ۲: تعاریف عملیاتی متغیرها و گویه‌های پرسشنامه

سازه	تعریف عملیاتی	گویه‌های پرسشنامه
کیفیت محیط شهری	میزان ادراک دانش‌آموزان از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی محل سکونت و مدرسه که شامل امنیت، دسترسی به فضاهای سبز، کیفیت فیزیکی و تعاملات اجتماعی است	۱. محله من از امنیت کافی برخوردار است. ۲. در اطراف محل زندگی من فضاهای سبز مناسب وجود دارد. ۳. کیفیت ساختمان‌ها و محیط اطراف مدرسه مناسب است. ۴. در محله ما تعاملات اجتماعی مثبت میان افراد وجود دارد. ۵. دسترسی به امکانات شهری در محل زندگی من آسان است.
تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان	توانایی سازگاری، مقابله و بازگشت به وضعیت طبیعی روانی پس از مواجهه با استرس‌ها و بحران‌های اجتماعی	۶. در شرایط سخت می‌توانم خودم را کنترل کنم. ۷. پس از مشکلات سریعاً به حالت عادی بازمی‌گردم. ۸. احساس می‌کنم توانایی مقابله با مشکلات را دارم. ۹. در شرایط بحرانی می‌توانم تصمیم‌های مناسب بگیرم. ۱۰. مشکلات باعث نمی‌شود به راحتی ناامید شوم.
سلامت روان دانش‌آموزان	وضعیت کلی بهزیستی روانی شامل کاهش اضطراب، افسردگی، تنش‌های هیجانی و احساس رضایت از زندگی	۱۱. معمولاً احساس آرامش روانی دارم. ۱۲. کمتر دچار اضطراب و نگرانی می‌شوم. ۱۳. از زندگی روزمره خود رضایت دارم. ۱۴. در بیشتر مواقع احساس شادی و امید دارم. ۱۵. می‌توانم احساسات خود را به خوبی کنترل کنم.

²¹ Liu et al

²² Dempsey et al

در بخش تحلیل داده‌ها، ابتدا از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی استفاده شد تا وضعیت کلی متغیرهای پژوهش شامل کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان توصیف گردد. در ادامه، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط میان متغیرها، از آزمون همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد. از آزمون اسپیرمن برای سنجش شدت و جهت رابطه بین متغیرها استفاده گردید، زیرا داده‌ها ماهیت رتبه‌ای داشته و فرض نرمال بودن به‌طور کامل برقرار نبود. همچنین از رگرسیون چندگانه برای بررسی میزان اثرگذاری کیفیت محیط شهری و تاب‌آوری بر سلامت روان دانش‌آموزان استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها مبنای ارائه پیشنهادها برای بهبود کیفیت محیط شهری، ارتقای تاب‌آوری و در نهایت افزایش سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی قرار گرفت.

۴- بحث درباره یافته‌ها

برای ارزیابی وضعیت «کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی» ابتدا تحلیل‌های توصیفی انجام شد تا تصویری کلی از وضعیت متغیرهای پژوهش به دست آید. این تحلیل‌ها شاخص‌های حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار را برای سه متغیر اصلی نشان می‌دهد.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
کیفیت محیط شهری	2.10	5.00	3.74	0.63
تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان	2.05	5.00	3.69	0.61
سلامت روان دانش‌آموزان	2.00	5.00	3.81	0.58

بررسی یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که سلامت روان دانش‌آموزان با میانگین ۳.۸۱ در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد، اما همچنان تحت تأثیر شرایط محیطی و بحرانی قابل بهبود است. کیفیت محیط شهری با میانگین ۳.۷۴ بیانگر وضعیت متوسط رو به مطلوب در مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی محیط زندگی و مدرسه است؛ با این حال این سطح نشان می‌دهد که زیرساخت‌های شهری هنوز به‌طور کامل پاسخگوی نیازهای روانی دانش‌آموزان در شرایط پس از بحران نیست. همچنین تاب‌آوری روان‌شناختی با میانگین ۳.۶۹ در سطحی متوسط قرار دارد که حاکی از ظرفیت قابل توجه دانش‌آموزان برای سازگاری با شرایط دشوار است، اما این ظرفیت نیازمند تقویت هدفمند از طریق مداخلات محیطی و آموزشی است.

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط میان متغیرها، از آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. با توجه به ماهیت رتبه‌ای داده‌ها و نتایج آزمون نرمال بودن، استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک مناسب تشخیص داده شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰.۰۵ در نظر گرفته شد و تحلیل‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

آزمون فرضیه اول: فرضیه: بین «کیفیت محیط شهری» و «سلامت روان دانش‌آموزان» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن (فرضیه اول)

متغیرها	ضریب همبستگی (Spearman)	سطح معناداری (Sig.)
کیفیت محیط شهری ↔ سلامت روان	۰.۵۷	۰.۰۰۰

ضریب همبستگی ۰.۵۷ نشان‌دهنده رابطه مثبت و نسبتاً قوی بین کیفیت محیط شهری و سلامت روان دانش‌آموزان است. این نتیجه بیانگر آن است که بهبود شرایط کالبدی، امنیت، فضاهای سبز و تعاملات اجتماعی در محیط شهری می‌تواند به ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان منجر شود. معناداری ۰.۰۰۰ نیز تأیید می‌کند که این رابطه از نظر آماری کاملاً معتبر است.

آزمون فرضیه دوم: بین «کیفیت محیط شهری» و «تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن (فرضیه دوم)

متغیرها	ضریب همبستگی (Spearman)	سطح معناداری (Sig.)
کیفیت محیط شهری ↔ تاب‌آوری	۰.۵۳	۰.۰۰۱

ضریب ۰.۵۳ بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان کیفیت محیط شهری و تاب‌آوری دانش‌آموزان است. این یافته نشان می‌دهد که محیط‌های شهری با کیفیت بالاتر می‌توانند به افزایش توان سازگاری روانی دانش‌آموزان در مواجهه با بحران‌ها کمک کنند. بنابراین، محیط شهری مناسب نقش تقویت‌کننده در شکل‌گیری تاب‌آوری ایفا می‌کند.

آزمون فرضیه سوم: بین «تاب‌آوری روان‌شناختی» و «سلامت روان دانش‌آموزان» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن (فرضیه سوم)

متغیرها	ضریب همبستگی (Spearman)	سطح معناداری (Sig.)
تاب‌آوری ↔ سلامت روان	۰.۶۴	۰.۰۰۰

ضریب ۰.۶۴ نشان‌دهنده رابطه مثبت و قوی میان تاب‌آوری و سلامت روان است. این نتیجه بیان می‌کند که دانش‌آموزانی که از سطح بالاتری از تاب‌آوری برخوردارند، وضعیت سلامت روان بهتری دارند و در برابر آثار منفی بحران‌های اجتماعی مقاوم‌تر هستند.

آزمون فرضیه چهارم: بین «کیفیت محیط شهری» و «سلامت روان دانش‌آموزان» با نقش میانجی «تاب‌آوری» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج تحلیل رگرسیون میانجی (فرضیه چهارم)

متغیر مستقل	ضریب بتا (β)	t	Sig
کیفیت محیط شهری	0.34	4.92	0.000
تاب‌آوری (میانجی)	0.41	5.88	0.000

نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که کیفیت محیط شهری تأثیر مستقیم و معناداری بر سلامت روان دارد ($\beta = 0.34$). همچنین تاب‌آوری به‌عنوان متغیر میانجی نقش پررنگ‌تری در تبیین سلامت روان ایفا می‌کند ($\beta = 0.41$). این یافته‌ها بیانگر آن است که بخشی از اثر محیط شهری بر سلامت روان از طریق تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان منتقل می‌شود.

آزمون فرضیه پنجم: بین «کیفیت محیط شهری» و «سلامت روان دانش‌آموزان» با نقش میانجی «تاب‌آوری» رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج رگرسیون چندگانه

متغیر مستقل	β	t	Sig
مؤلفه کالبدی	0.29	4.10	0.000
مؤلفه اجتماعی	0.33	4.78	0.000
مؤلفه ادراکی	0.27	3.95	0.000

یافته‌ها نشان می‌دهد که هر سه مؤلفه محیط شهری اثر معناداری بر سلامت روان دارند. در این میان، مؤلفه اجتماعی ($\beta = 0.33$) بیشترین تأثیر را دارد که بیانگر اهمیت تعاملات اجتماعی، حس تعلق و روابط محلی در ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان است. در جدول شماره (۹) شاخص‌های برازش مدل تحقق آورده شده است:

جدول ۹: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقدار
R^2	0.65
Adjusted R^2	0.63
F	98.72
Sig	0.000
Durbin-Watson	1.91

ضریب تعیین ۰.۶۵ نشان می‌دهد که مدل پژوهش قادر است ۶۵ درصد از تغییرات سلامت روان دانش‌آموزان را تبیین کند که بیانگر قدرت تبیینی مناسب مدل است. معناداری آزمون F نیز تأیید می‌کند که مدل از نظر آماری معتبر است. همچنین مقدار Durbin-Watson نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در خطاها و برازش مناسب مدل است. به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان دارای روابط معنادار و درهم‌تنیده هستند. کیفیت محیط شهری نه تنها به‌طور مستقیم بر سلامت روان اثر می‌گذارد، بلکه از طریق تقویت تاب‌آوری نیز نقش غیرمستقیم و میانجی ایفا می‌کند. این یافته‌ها اهمیت نگاه ترکیبی به عوامل محیطی و روان‌شناختی را در تحلیل سلامت روان دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی برجسته می‌سازد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یافته‌های این پژوهش نشان داد که کیفیت محیط شهری، تاب‌آوری روان‌شناختی و سلامت روان دانش‌آموزان دارای روابط معنادار و درهم‌تنیده‌ای هستند و محیط شهری نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری وضعیت روانی دانش‌آموزان پس از بحران‌های اجتماعی ایفا می‌کند. نتایج آزمون‌های آماری بیانگر آن است که کیفیت محیط شهری نه تنها به‌طور مستقیم بر سلامت روان اثرگذار است، بلکه از طریق تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی نیز نقش میانجی و تقویتی در بهبود وضعیت روانی دانش‌آموزان دارد. این موضوع نشان می‌دهد که سلامت روان دانش‌آموزان صرفاً یک پدیده فردی نیست، بلکه محصول تعامل پیچیده میان فرد، محیط و ساختارهای اجتماعی-شهری است.

تحلیل دقیق‌تر نتایج نشان داد که مؤلفه‌های مختلف محیط شهری، به‌ویژه مؤلفه اجتماعی، نقش برجسته‌ای در ارتقای سلامت روان دارند. وجود تعاملات اجتماعی مثبت، حس تعلق به محله، امنیت محیطی و دسترسی به فضاهای عمومی مناسب، از جمله عواملی هستند که می‌توانند به شکل‌گیری احساس آرامش روانی و کاهش تنش‌های ناشی از بحران‌های اجتماعی کمک کنند. در این میان، تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان یک ظرفیت درونی، نقش مهمی در تعدیل اثرات منفی محیط و افزایش توان سازگاری دانش‌آموزان ایفا

می‌کند؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان دارای تاب‌آوری بالاتر، واکنش‌های روانی مثبت‌تری در مواجهه با شرایط دشوار نشان می‌دهند. همچنین یافته‌ها نشان داد که محیط شهری مناسب می‌تواند به‌عنوان یک زیرساخت روانی-اجتماعی حمایتی عمل کند و از طریق کاهش استرس‌های محیطی، افزایش امنیت ادراکی و تقویت روابط اجتماعی، زمینه ارتقای سلامت روان را فراهم سازد. در مقابل، ضعف در کیفیت محیط شهری می‌تواند آسیب‌پذیری روانی دانش‌آموزان را افزایش داده و اثرات منفی بحران‌های اجتماعی را تشدید کند. این نتایج بر اهمیت نگاه پیشگیرانه در طراحی شهری و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با سلامت روان تأکید دارد.

در سطح کلان، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی که سلامت روان را صرفاً در چارچوب مداخلات فردی و آموزشی تبیین می‌کنند، برای شرایط کنونی کافی نیستند. در واقع، نتایج این تحقیق بر ضرورت گذار به رویکردهای اکولوژیک و چندسطحی تأکید دارد که در آن، محیط شهری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در کنار ویژگی‌های فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. چنین نگاهی می‌تواند به طراحی سیاست‌های جامع‌تری در حوزه سلامت روان دانش‌آموزان منجر شود. از منظر کاربردی، این پژوهش نشان می‌دهد که بهبود کیفیت محیط شهری و تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی می‌تواند به‌طور هم‌زمان به ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان کمک کند. بنابراین، مداخلات صرفاً آموزشی یا روان‌شناختی بدون توجه به بستر محیطی، اثرگذاری محدودی خواهند داشت. در مقابل، ترکیب سیاست‌های شهری، آموزشی و روان‌شناختی می‌تواند بیشترین اثربخشی را در بهبود وضعیت روانی دانش‌آموزان داشته باشد. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

بهبود کیفیت محیط شهری: ارتقای امنیت محله‌ها، توسعه فضاهای سبز، افزایش دسترسی به امکانات شهری و بهبود کیفیت کالبدی محیط زندگی دانش‌آموزان.

تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی دانش‌آموزان: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس و آموزش ذهن‌آگاهی در مدارس.

توسعه فضاهای اجتماعی حمایتی: ایجاد فضاهای عمومی امن و تعامل‌محور برای تقویت حس تعلق اجتماعی و کاهش انزوای روانی دانش‌آموزان.

یکپارچه‌سازی سیاست‌های شهری و آموزشی: همکاری میان نهادهای شهری و آموزش و پرورش برای طراحی محیط‌های آموزشی-محلی حامی سلامت روان.

توجه به طراحی شهری دوستدار کودک و نوجوان: لحاظ کردن نیازهای روانی دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی شهری و توسعه محلات. اجرای برنامه‌های مداخله‌ای پس از بحران: ارائه خدمات روانی-اجتماعی در مناطق آسیب‌دیده از بحران‌های اجتماعی با تمرکز بر تقویت تاب‌آوری و حمایت محیطی.

انجام مطالعات بومی بیشتر: توسعه پژوهش‌های مشابه در سایر شهرها و با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی برای تعمیم‌پذیری بهتر نتایج.

References

- Bai, Y., Wang, R., Yang, L., Ling, Y., & Cao, M. (2024). The impacts of visible urban green spaces on the mental well-being of university students. *Applied Spatial Analysis and Policy*.
<https://doi.org/10.1007/s12061-024-09578-7>
- Barton, D., et al. (2023). Exploring the relationships between specific urban design features and adolescent mental health. *Landscape and Urban Planning*, 235, 104736.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2023.104736>
- Dehghan, F., Golkar, K., & Hakimian, P. (2022). The role of urban design in mental health: Explaining the conceptual framework of the relationship between urban environmental quality and citizens' mental health with an emphasis on depression. *Armanshahr*, 15(38), 199–218. (In Persian.)
- Dempsey, N., et al. (2023). Managing crises "together": How can the built environment contribute to social resilience? *Building Research & Information*.
<https://doi.org/10.1080/09613218.2023.2191922>
- Ghanbari, M., Azarpeykan, A., Norouzi, S., & Javaheri, M. (2024). The role of resilience in students' mental health. In *Proceedings of the Eighteenth National Conference on Law, Social Sciences and Humanities, Psychology and Counseling*. Shirvan, Iran. (In Persian.)
- Habibvand, F., Arefi Damghani, S., & Gholi Montaghani, Z. (2025). The impact of resilience on students' mental health under crisis conditions. In *Proceedings of the Second National Conference and the First International Conference on Educational and Research Strategies in Education*. Ahvaz, Iran. (In Persian.)
- Hoffmann, M., et al. (2024). Resilience and crisis preparedness in a neighbourhood: Results of a Photovoice study. *Prävention und Gesundheitsförderung*. <https://doi.org/10.1007/s11553-024-01142-y>
- Hosseini, S. H. (2023). Investigating the relationship between characteristics of the urban built environment and citizens' mental health: A case study of Mashhad. *Urban Structure and Function Studies*, 10(36), 233–257. (In Persian.)
- Javanmard, K., Mousavi, A., & Gharani, M. (2023). The relationship between social skills, resilience, and mental health among female elementary school students in District 20 of Tehran. *Women and Society Quarterly*, 14(56), 18–30. (In Persian.)
- Liu, Y., Zhang, X., & colleagues. (2023). Role of the neighborhood environment in psychological resilience. *Landscape and Urban Planning*, 235, 104761.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2023.104761>

Manavipour, D., Mohebi, A., & Mohammadi, A. (2025). The effectiveness of an integrated resilience and play therapy training model on students' problem-solving skills. *Journal of Education, Training and Sustainable Development*. (In Persian.)

Nasiri Karbasdehi, Z., Fakhri, M. K., & Ghannadzagdegan, H. (2022). The effectiveness of mindfulness training on distress tolerance, resilience, and emotion regulation among students with symptoms of generalized anxiety disorder. *Journal of Sociology of Education*, 9(1), 413–423. (In Persian.)

Pacheco, E.-M., Parrott, E., Oktari, R. S., & Joffe, H. (2022). How schools can aid children's resilience in disaster settings: The contribution of place attachment, sense of place and social representations theories. *Frontiers in Psychology*, 13, 1004022. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1004022>

Rakow, D. A., & Ibes, D. C. (2022). Campus Nature Rx: How investing in nature interventions benefits college students. *Frontiers in Psychology*, 13, 960370. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.960370>

Zhuang, Y., Xie, D., Chang, J., & Shen, Y. (2025). Urban living environment changes and mental health responses: Building urban resilience in post-pandemic Shanghai. *Transactions in Planning and Urban Research*, 4(3–4), 261–276. <https://doi.org/10.1177/27541223251401317>

Evaluating the Role of the Urban Environment in Enhancing Students' Mental Health and Resilience After Social Crises

Seyed Dariush Rezaei

M.A., Department of Dramatic Literature, Science and Research Branch, Tehran, Iran
Dariush.rezaei@gmail.com

Shakiba Kazemi Najafabadi

M.A. Student, Department of Family Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Iran
kazemi09134826374@gmail.com

Azin Novin

M.A., Department of Clinical Psychology, Payame Noor University (South Tehran Branch), Tehran, Iran
Azin.novin69@gmail.com

Abstract

In recent years, the increasing complexity of social crises has shifted researchers' attention from purely individual-based approaches to mental health toward the role of environmental and contextual factors, particularly the urban environment. In this regard, urban environmental quality is recognized as a key determinant of students' mental health and psychological resilience, playing a crucial role in their adaptation after experiencing social crises. The aim of this study is to evaluate the role of the urban environment in improving mental health and resilience among students following social crises. This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of methodology. The statistical population consisted of secondary school students, from which 250 participants were selected using cluster random sampling. Data were collected through a researcher-made questionnaire, whose validity was confirmed via content validity and reliability through Cronbach's alpha (0.87). For data analysis, descriptive statistics, Spearman correlation, and multiple linear regression were conducted using SPSS version 26. The findings revealed a positive and significant relationship between urban environmental quality, psychological resilience, and students' mental health. Regression results further indicated that urban environmental quality has both a direct effect and an indirect effect (through resilience) on students' mental health. Among the components, the social dimension of the urban environment had the strongest explanatory power for mental health. Overall, the proposed model explained a considerable proportion of variance in students' mental health. The study concludes that improving urban environmental quality, along with strengthening psychological resilience, can serve as an effective strategy for enhancing students' mental health after social crises.

Keywords: Urban Environment; Mental Health; Psychological Resilience; Secondary School Students; Social Crises; Urban Planning

Introduction

The increasing frequency and complexity of social crises have drawn significant scholarly attention to the factors influencing students' mental health and psychological resilience. While previous studies have predominantly emphasized individual psychological characteristics, recent interdisciplinary research highlights the importance of environmental and contextual determinants,

particularly the quality of the urban environment. Urban environments provide not only the physical setting for everyday life but also shape social interactions, perceptions of safety, access to public facilities, and opportunities for psychological recovery. Consequently, urban environmental quality has emerged as an essential determinant of mental well-being, especially among adolescents who are highly sensitive to environmental stressors.

Following social crises, students often experience anxiety, emotional instability, and psychological distress. Their ability to recover from such adverse experiences largely depends on both internal psychological capacities and external environmental support. Psychological resilience represents the ability to adapt positively and recover from stressful events, while supportive urban environments may strengthen this adaptive capacity. Despite growing evidence regarding the individual effects of urban environment and resilience on mental health, limited research has simultaneously examined their structural relationships, particularly within the socio-cultural context of Iran.

Accordingly, the present study aimed to evaluate the role of urban environmental quality in improving students' mental health after social crises while examining the mediating role of psychological resilience.

Methods

This study adopted an applied research design using a descriptive-survey methodology. The statistical population consisted of secondary school students in Karaj, Iran. Based on Cochran's sampling formula, a sample of 250 students was selected using cluster random sampling. Data were collected using a researcher-developed questionnaire designed according to previous theoretical and empirical studies. The questionnaire measured three major constructs: urban environmental quality, psychological resilience, and students' mental health. Urban environmental quality included physical, social, and perceptual dimensions such as neighborhood safety, accessibility to green spaces, environmental quality, and social interactions. Responses were recorded on a five-point Likert scale ranging from "strongly disagree" to "strongly agree." Content validity was confirmed by a panel of academic experts in urban planning and educational psychology. Reliability analysis demonstrated satisfactory internal consistency with an overall Cronbach's alpha coefficient of 0.87. Data analysis was performed using SPSS version 26. Descriptive statistics were first calculated, followed by Spearman correlation analysis and multiple linear regression to examine the proposed relationships among variables. Because the data did not fully satisfy the assumption of normality, non-parametric statistical techniques were employed.

Results

The descriptive findings indicated that students reported relatively favorable levels of mental health (Mean = 3.81), urban environmental quality (Mean = 3.74), and psychological resilience (Mean = 3.69). However, these values also suggest considerable room for improvement through urban and educational interventions.

Spearman correlation analysis demonstrated statistically significant positive relationships among all major variables. Urban environmental quality showed a significant positive correlation with students' mental health ($r = 0.57$, $p < 0.001$). Likewise, urban environmental quality was positively associated with psychological resilience ($r = 0.53$, $p = 0.001$). Furthermore, psychological resilience exhibited the strongest correlation with mental health ($r = 0.64$, $p < 0.001$).

Multiple regression analysis further revealed that urban environmental quality exerted both direct and indirect effects on students' mental health through psychological resilience. The standardized regression coefficient for urban environmental quality was $\beta = 0.34$, whereas psychological resilience demonstrated a stronger effect ($\beta = 0.41$), confirming its mediating role within the proposed conceptual framework.

Among the components of urban environmental quality, the social dimension—including neighborhood relationships, social participation, and sense of belonging—showed the greatest

influence on students' mental health. Model evaluation indicated satisfactory explanatory power ($R^2 = 0.65$; Adjusted $R^2 = 0.63$), suggesting that approximately 65% of the variance in students' mental health could be explained by the combined effects of urban environmental quality and psychological resilience.

Discussion and Conclusion

The findings support the growing body of literature emphasizing the multidimensional nature of mental health and the importance of integrating environmental and psychological perspectives. Rather than being determined solely by individual characteristics, students' mental health is substantially influenced by the interaction between urban environments and personal adaptive capacities.

The significant mediating role of psychological resilience suggests that improvements in urban environmental quality not only directly enhance mental well-being but also strengthen students' capacity to cope with future social crises. Safe neighborhoods, accessible green spaces, supportive social environments, and high-quality educational surroundings create favorable conditions for developing resilience and reducing psychological vulnerability.

The prominence of the social dimension of the urban environment further emphasizes the importance of strengthening social cohesion, neighborhood trust, and community participation in urban planning policies. These findings provide valuable implications for urban planners, educational authorities, mental health professionals, and policymakers seeking to establish resilient educational environments capable of supporting adolescents during and after periods of social instability.

Overall, this study proposes an integrated conceptual framework linking urban environmental quality, psychological resilience, and students' mental health. The findings highlight that interdisciplinary collaboration between urban planning, educational systems, and mental health services can substantially improve adolescents' psychological well-being in post-crisis contexts.